



بخش علوم اجتماعی

نام مرکز: تحصیلات تکمیلی تهران

رساله

برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D.)

رشته : تاریخ ایران بعد از اسلام

گروه: تاریخ

عنوان رساله:

**بررسی سیر تحولات دیوانسالاری در عهد مغول**

یزدان فرخی

استاد راهنما: دکتر هوشنگ خسروبیگی

استاد مشاور: دکتر محمد رضا نصیری

استاد مشاور: دکتر سید ابوالفضل رضوی

تابستان ۱۳۹۱

## بررسی سیر تحولات دیوانسالاری در عهد مغول

چکیده: تشکیلات دیوانسالاری ایران در عهد حاکمیت مغول ها دستخوش دگرگونی های قابل توجهی گردید. تسلط مغول ها و تاسیس سلسله ایلخانی منجر به ورود سنت ها و عناصر دیوانی تازه ای شد که از ختاییان و همچنین یاسای چنگیزخان، اقتباس شده بود. این عوامل جدید به واسطه حاکمیت سیاسی مغول ها، بر تشکیلات دیوانی ایران تاثیر بسزایی گذاشت.

هدف اصلی این پژوهش بررسی مبانی شکل گیری و احیاء دیوانسالاری ایرانی و شناخت دگرگونی های ایجاد شده در راس تشکیلات دیوانسالاری ایران در دوره مغول و حکومت ایلخانی است و تلاش می کند تا عناصر جدید را در ترکیب با میراث کهن دیوانسالاری ایرانی مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق از طریق بررسی ساختار تشکیلات دیوانی، نحوه انتصاب، میزان اختیارات، حوزه نفوذ و تعامل مقام های بلندپایه دیوانی با ایلخان و امرای برجسته مغول تلاش می کند تا به شناخت تحولات اداری عهد ایلخانان دست یابد. تحولات تشکیلات دیوانی ایران در عهد ایلخانان به ویژه در حوزه اختیارات وزیر که در این دوره عمدتاً صاحب دیوان خوانده می شود، منعکس شده و بخش عظیمی از این پژوهش به بررسی نقش، موقعیت و اختیارات این مقام در دوره ایلخانان اختصاص یافته است.

نتایج این پژوهش نشان خواهد داد که الگوهای ختایی و محتوای یاسا و نیز نوع نگاه ایلخانان به موضوع قدرت و حکمرانی، مهمترین عوامل تاثیر گذار در تشکیلات دیوانی ایران در عهد ایلخانان است و چنین به نظر می رسد که با بررسی روند رویدادهای این دوره، میزان و نحوه تاثیر گذاری عوامل اخیر از یک سو و عناصر بومی دیوانسالاری ایرانی دارای یک سیر و روند مشخص و یکسانی نبوده و در مجموع نشان داده خواهد شد که این روند دارای فراز و نشیب های قابل توجهی متأثر از عوامل سیاسی، بحران در روابط ایلخانان با مملوکان و الوس جوچی و سرانجام گرایش مغول ها به فرهنگ و دین ایرانیان بوده است.

**واژگان کلیدی:** تشکیلات دیوانی / ختا / خوارزمشاهیان / دیوانسالاری / صاحب دیوان / ایلخان / مبانی شکل

گیری / مغولها / مناصب دوگانه / یاسا

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات تحقیق.....	۵
فصل دوم: مبانی احیای تشکیلات دیوانی ایران دوره حاکمان مغول.....	۳۸
۱-۲ میراث حکومت خوارزمشاهیان.....	۳۹
۲-۲- امپراتوری چنگیزخان و سنت های دیوانی ختایی.....	۴۶
۲-۳- تاثیر یاساهای چنگیزخان در شکل گیری تشکیلات دیوانی مغول ها در ایران.....	۵۱
۲-۴- تشکیلات دیوانی مغول ها در ایران در دوره حکومت چیتمور.....	۵۷
۲-۵- تشکیلات دیوانی مغول ها در ایران در دوره حکومت نوسال.....	۷۸
۲-۶- تشکیلات دیوانی مغول ها در ایران در دوره حکومت کورگوز.....	۸۱
۲-۷- تشکیلات دیوانی مغول ها در ایران در دوره حکومت ارغون آقا.....	۱۰۳
۲-۷-۱ روزگار نیابت توراکینا خاتون.....	۱۰۳
۲-۷-۲ دوره حکومت گیوک خان.....	۱۱۱
۲-۷-۳ از مرگ گیوک تا قدرت گیری منکوقاآن و خاندان تولوی.....	۱۱۸
فصل سوم: تشکیلات دیوانی مغول ها در ایران دوره ایلخانان از هلاکوخان تا غازان خان.....	۱۳۲
۳-۱- دوره هلاکوخان.....	۱۳۳

۱۵۳	..... دوره اباقاخان.....	۲-۳
۱۷۰	..... دوره تکودار.....	۳-۳
۱۷۹	..... دوره آرغون خان.....	۴-۳
۱۷۹	..... دوره برتری بوقا چینگسانگ.....	۱-۴-۳
۱۹۲	..... به قدرت رسیدن سعدالدوله یهودی.....	۲-۴-۳
۱۹۸	..... دوره گیخاتوخان.....	۵-۳
۲۰۹	..... دوره بایدو خان.....	۶-۳
۲۱۳	..... فصل چهارم: تشکیلات دیوانی مغول ها در ایران عهد ایلخانان از غازان خان تا ابوسعید بهادر.....	
۲۱۴	..... دوره غازان خان.....	۱-۴
۲۴۴	..... دوره اولجایتو.....	۲-۴
۲۶۷	..... دوره ابوسعید بهادر.....	۳-۴
۲۸۸	..... جمع بندی و نتیجه گیری.....	
۳۰۸	..... فهرست منابع (عام و تفکیک شده).....	

## مقدمه:

پژوهش درباره دیوانسالاری ایرانی، یکی حوزه های تحقیقات تاریخی پر اهمیت و همچنین دشوار به شمار می رود. این دشواری از آن رو است که بررسی تحولات دیوانسالاری از یک جهت نیازمند تحقیق در مناسبات قدرت در عرصه سیاست و شناسایی عوامل موثر بر آن در عرصه سیاست است و از سوی دیگر مطالعه جزئیات و روند تشکیلات اداری و مدیریتی علاوه بر اینکه موضوعی فنی و تخصصی به شمار می رود، موضوعی فرهنگی و جامعه شناسی نیز قلمداد شده و از آن تاثیر می پذیرد؛ چرا که دیوانسالاران ایرانی به عنوان بخش فرهیخته و صاحب قلم از معدود گروههای حامی فرهنگ، علم و دانش محسوب می شدند. از این جهت، بررسی تعامل عرصه دیوانی با پیشینه های فرهنگی و اجتماعی ایرانی، موضوع بسیار پر اهمیتی در تحلیل اقدامات دیوانسالاران و تحولات در حوزه کاری آن است.

از سوی دیگر بررسی مبانی شکل گیری دیوانسالاری دوره مغول و ایلخانان به جهت ورود عناصر بیگانه ای که با خود تشکیلاتی جدید در عرصه امور دیوانی همراه آورده بودند، دارای پیچیدگی بیشتری نسبت به دوره های دیگر تاریخ ایران است. گذشته از زبان متفاوت و رواج اصطلاحات جدید و بیگانه (اعم از ترکی، مغول و چینی)، بررسی روند دیوانسالاری دوره مغول در ایران نیازمند بررسی کنش ها و واکنش های دیوانسالاری بومی از یک سو و نظام دیوانی جدید و بیگانه از سوی دیگر است. گرچه سیر واکنش هایی که این دو عنصر به هم نشان می دادند، از واگرایی و ناسازگاری آنها با یکدیگر خبر می دهد، اما از سوی دیگر این دو عنصر، در بخش هایی با هم همگرایی نیز داشته اند.

بنابراین کار پژوهشگر تحولات دیوانی ایران دوره مغول و ایلخانان، بازشناسی این تحولات از گزارش منابعی است که عمدتاً تمایلی به ذکر عناصر بیگانه مغولی و ختایی و نقش آنها در تشکیلات حکومتی ندارند و از آنجایی که مغول ها -حتی آنهایی که نظیر ارغون آقا و فرزند وی امیر نوروز

این رساله در پنج فصل سامان دهی شده است. در فصل نخست به طرح کلیات نظری و ادبیات تحقیق نظیر طرح مساله، سوالات اصلی و فرضیه های تحقیق و نقد و بررسی منابع، پژوهش های نوین که معمولاً در رساله های علوم انسانی مطرح می شود، پرداخته شده است.

فصل دوم در واقع مقدمه ای بر موضوع اصلی تحقیق شامل پیش زمینه های دیوانی اواخر حکومت خوارزمشاهیان و عناصر مختلفی است که همزمان با ورود مغول ها اعم از الگوهای دیوانی اهل ختا و یاسای چنگیزخان که بر تشکیلات نخستین دیوانی ایران در دوره حاکمان مغول تاثیر گذاشته بود. این فصل شامل شش بخش است که علاوه بر گزارش مختصری از زمینه های حکومت خوارزمشاهی، تاثیرات الگوهای دیوانی ختایی، یاسای چنگیزخان، به شرح رویدادهای مهم دیوانی و عناصر ترکیب یافته تشکیلات حاکمان مغول یعنی چیتنمور، نوسال، کورگوز و ارغون آقا توجه شده است.

در این فصل همانند فصل های بعدی این اثر موضوعات بر اساس توالی و ترتیب زمانی و دوره قدرت هر یک از حاکمان و سپس ایلخانان تنظیم شده است. دوره حاکمان مغول به دلیل تفاوت فاحشی که در نحوه اداره و استقلال اداری که با عصر ایلخانی داشت، در فصل مجزایی مورد بررسی قرار گرفته است. همین طور باید اشاره شود که گرچه موضوع این رساله عمدتاً مربوط به حکومت ایلخانی یعنی از دوره هلاکوخان تا ابوسعید بهادر است، اما به ناچار تدوین تحولات دوره ایلخان بدون بررسی پیش زمینه های آن در دوره حاکمان مغول امکان ناپذیر است. به عبارتی دیگر بررسی سیر مبانی شکل گیری و احیای دیوانسالاری دوره مغول بدون بررسی دوره حاکمان مغولی ناقص و

تدوین مبانی شکل‌گیری (و در حقیقت احیا) وزمین‌های بروز تحولات تشکیلات دیوانی ایلخانان نیز به دلیل تفاوت‌های مشهودی که از دوره هلاکو تا دوره غازان و از دوره غازان تا ابوسعید دیده می‌شود، به دو فصل تقسیم شده است. فصل نخست دوره ایلخانان که با حکومت هلاکو آغاز می‌شود - به جز دوره کوتاه حکومت تکودار - گرایش‌های شدید مغولی و ختایی در اداره حکومت از خود عرضه می‌کند و به همین جهت آنها را ایلخانان نامسلمان و سیاست‌های آنها را نسبتاً غیر ایرانی می‌تواند نامید.

با گرایش غازان خان به اسلام و موفقیت وی در ثبات سیاسی و اداری حکومت ایلخانی تفاوت قابل توجهی در همه جنبه‌های حکومتی ایلخانان اعم از رویکردهای اداری دیده می‌شود. در این فصل تلاش شده تا تغییرات و دگرگونی‌های ایجاد شده بر اثر این روند و گرایش جدید که در واقع بومی‌گرایی حکومت مغول و قدرت یافتن عناصر دیوانی ایرانی در برابر عناصر ختایی و مغولی و نیز روند رو به رشد اختیارات مقام‌های عالی رتبه ایرانی از جمله صاحب‌دیوان محسوب می‌شود، مورد بحث قرار گیرد.

سرانجام در فصل آخر به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث اختصاص یافته و تلاش شده تا سوالات و فرضیه‌های این تحقیق با دقت بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد. در این فصل گرچه تمامی نتایج حاصل شده از این رساله مطرح نشده اما تلاش شده تا عمده دست یافته‌های اصلی در آن مطرح شود. با این حال همانند ویژگی‌های تحقیقات تاریخ، دیگر نتایج حاصل از این رساله را باید در متن رساله مورد توجه قرار داد.

در این تحقیق با توجه به موضوع و سوالات تحقیق، محدودیت‌هایی نیز اعمال شده است. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به توجه کمتر به تغییرات بخش فروتر مقامات دیوانی اشاره کرد. این پژوهش عمدتاً به بررسی سیر مبانی و تحلیل روند احیای سازمان دیوانسالاری ایران در دوره مغول از

از دشواری هایی که پیش روی این تحقیق بوده است، می توان به زبان دشوار، نثر پیچیده و پر اصطلاح، آثار تاریخی و منابع اصلی این دوره اشاره کرد. خوانش و استنباط از اثری چون تاریخ و صاف، نمونه برجسته ای از این مشکلات پیش روی این رساله بوده است. همچنین باید به تفاوت و تنوع القاب و عنوان مقام های دیوانی در منابع اشاره کرد. به سخنی دیگر برای برخی از عناوین و مقام ها اصطلاح و واژه های متفاوتی ذکر شده که پژوهشگر باید به بررسی و دقت آنها و سرانجام ترجیح یکی از آنها مبادرت می ورزید. در کنار این مشکلات که مولف تلاش کرد تا با کمک استاد راهنما و مشاور تا حد امکان آنها را برطرف نماید، برخی مشکلات مانند ذکر جزئیات و توصیف مقامات فروتر تشکیلات اداری ایران دوره مغول به دلیل کمبود منابع در این خصوص و عدم ذکر عناوین آنها در منابع اصلی و فرعی این دوره، همچنان پا برجا است و پژوهشگر را بر آن داشت تا حد امکان به برخی موارد محدود این بخش از تشکیلات اداری ایران این روزگار بپردازد.

این پژوهش بدون راهنمایی و توصیه های دکتر هوشنگ خسروبیگی به سامان نمی رسید، گرچه بی تردید کاستی های علمی و ادبی این کار بر عهده نگارنده این سطور خواهد بود. همچنین استادان ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا نصیری و دکتر ابوالفضل رضوی با توجه های خویش دین بزرگی بر نگارنده داشته و همواره فضل شاگردی ایشان بر دوش بنده خواهد بود.

یزدان فرخی / تابستان ۱۳۹۱



# فصل اول:

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- طرح مساله:

رویداد حمله مغول و تشکیل حکومت ایلخانان یکی از موضوعات پراهمیت در تاریخ ایران بعد از اسلام به شمار می آید. مغول ها در جریان فتح ممالک ایران، ویرانی های بسیاری به بار آوردند و گروه های جمعیتی و قبایل بسیاری را با خود همراه کردند که بر خلاف جریان ورود قبایل ترک به جهان اسلام از قرن چهارم هجری به بعد، گرایش های سیاسی، اقتصادی و ماهیت فرهنگی بسیار متفاوتی داشتند. تشکیلات سیاسی که از زمان چنگیزخان و به دنبال فتوح مغول بنیان گرفته بود، سرچشمه های متنوعی داشت و به هر روی در خدمت اهداف توسعه طلبانه خاندان چنگیز و قبایل متحد آنها در مناطق مفتوحه از جمله ایران بود. این در حالی بود که در آن روزگار در ممالک اسلامی، مشخصه سیاسی پر سابقه ای را داشتند که عمدتاً از تفکرات اسلامی و سنن ایران روزگار ساسانی متأثر بود. بخشی از این عرصه سیاسی تشکیلات دیوانی بود که عمدتاً توسط خاندان های دیوانسالار ایرانی و با رویکردی به پادشاهی ایران باستان اداره می شد.

با فروپاشی حکومت خوارزمشاهیان و پس از آن خلافت عباسی توسط مغول ها، تشکیلات دیوانی نیز تحت تاثیر این موضوع قرار گرفت و نظام اداری پیشین و بسیاری از کارگزاران آن در خدمت فاتحان مغول درآمدند. نحوه برخورد فاتحان با نظام اداری پیشین و عناصر و اعضای این دستگاه به عنوان یکی از مسائل پر اهمیت تاریخ ایران این روزگار در مراحل مختلف سلطه مغول ها یکسان نبود. با این همه عملکرد خوانین مغول برای دست یابی به اهداف و خواسته های سیاسی و نظامی آنها بود که نحوه برخورد و تعامل مغولها را با تشکیلات دیوانی ایران تعیین می نمود.

چنین به نظر می رسد که در مقایسه با دوران پیش از حاکمیت مغول، تشکیلات اداری ایران با گسستی جدی مواجه شده است. بر خلاف حکومت های قبلی تاریخ ایران دوره اسلامی، مغول ها با مدنیت و حیات شهری هم نوایی چندانی نداشتند و نظر به نامسلمانی آنها نسبت به سنن ایرانی- اسلامی بی تفاوت بودند. افزون بر این به سبب غلبه گرایش های گریز از مرکز مغول ها در سیاست و اقتصاد، آنها تا دیر زمانی ضرورت و اهمیت وجود حکومت های متمرکز را در مناطق مفتوحه

بررسی چگونگی شکل‌گیری و احیای مبانی تشکیلات دیوانی ایران در مراحل مختلف دوره حاکمیت ایلخانان موضوعی است که پژوهش حاضر سعی در بررسی آن را دارد. هر چند مشخص کردن شاکله این تشکیلات و پیوند عناصر آن بسیار دشوار است، اما با بررسی مقامات عمدتاً بلند پایه دیوانی، مناصب و حدود اختیارات آنها در دوره حاکمیت مغول‌ها و ایلخانان می‌توان طرح کلی این تشکیلات را مشخص و پیوند و کارکرد عناصر اصلی آن را مورد بررسی قرار داد. از این رو انتظار می‌رود که در نتیجه این پژوهش به این مساله پاسخ داده شود که طی سلطه سیاسی مغول‌ها در ایران، سرانجام بنیان تشکیلات دیوانی ایرانی دستخوش چه دگرگونی‌هایی در بخش‌های مختلف گردید و چگونه عناصر جدید ختایی و مغولی در تشکیلات دیوانی حکومت ایلخانی تاثیر گذار شدند. سرانجام این پژوهش در پی درک این مساله خواهد بود که رویدادهای سیاسی و نظامی یعنی حمله مغول بر رویدادها و تحولات تشکیلات دیوانی تاثیر گذاشته است و بخش دیوانی از رویدادهای سیاسی پیروی می‌کند.

## **۱-۲- سوالات تحقیق**

۱-۲-۱- هجوم مغول و حاکمیت ایلخانان بر ایران بر دگرگون ساختن تشکیلات دیوانی این دوره چه تاثیری داشت؟

۱-۲-۲- مهمترین عناصر سازنده بنیان های تشکیلات دیوانی حکومت ایلخانی، چه بودند؟

### ۱-۳-۳- فرضیه های تحقیق

۱-۳-۱- هجوم مغول به ایران در آغاز در تشکیلات دیوانی گسست هایی ایجاد کرد و عمده تلاش ایلخانان فائق آمدن بر نابسامانی های ناشی از این رویداد، در راستای پاسخ گویی به مقتضیات سیاسی و اقتصادی خویش بود.

۱-۳-۲- عناصر سازنده سازمان دیوانی ایلخانان متشکل از قوانین یاسا و شیوه های دیوانی اخذ شده از ختا و نیز شیوه های دیوانی کهن و بومی ایرانی بود که در ترکیب و رقابت با عناصر جدید بنیان های اداری و دیوانی حکومت ایلخانی را تشکیل می داد.

### ۱-۴-۴- اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش مشخص ساختن دگرگونی های ایجاد شده تحت تاثیر حمله مغول و اهداف و رویکردهای نظام اداری روزگار ایلخانان است. با این همه انتظار می رود که بتوان تلاش خاندان های دیوانسالار را در این دوره مورد ارزیابی قرار داد و نیز به برخی از دلایل موفقیت و ناکامی حکومت ایلخانان دست یافت. از دیگر اهداف این تحقیق می توان به این موارد اشاره کرد:

۱-۴-۱- شناخت مبانی شکل گیری و احیاء مجدد تشکیلات دیوانی در دوره حکومت مغول

۱-۴-۲- معرفی مفاهیم بارز و اصطلاحات مهم تشکیلات اداری در سازمان اداری ایلخانان

۱-۴-۳- بررسی حدود وظایف و اختیارات مقامات و عناصر بلند پایه تشکیلات اداری ایلخانان

## **۱-۵- کاربردهای متصور از تحقیق:**

چنین می نماید که نتایج این پژوهش برای تدوین تشکیلات دیوانسالاری ایران پس از مغول، راهگشا خواهد بود. دانشجویان و پژوهشگران تاریخ و ادبیات که بر متون تاریخی، ادبی، دیوانی و غیره در روزگار استیلای مغول پژوهش می کنند، با استفاده از نتایج این تحقیق می توانند جنبه ها و ابعاد تاریخی آثار مورد بررسی خود را بهتر مورد بررسی قرار دهند.

مولفان فرهنگ های لغت عمومی و ادبی نیز به جهت تعریف اصطلاحات و مفاهیم دیوانی و اداری می توانند از نتایج این پژوهش برای انجام کار خود استفاده کنند. نتایج این تحقیق حتی می تواند به شناخت سرشت سازمان اداری کنونی ایران، چالش ها و موانع توسعه آن رهنمون گردد. چرا که سازمان اداری ایران هنوز هم شیوه و ویژگی هایی را از دوره های پیشین در خود حفظ کرده است.

## **۱-۶- مراجع استفاده کننده از نتیجه رساله:**

دانشجویان و پژوهشگران رشته های مختلفی چون تاریخ ایران دوره اسلامی، ادبیات فارسی، ترکی، رشته های علوم سیاسی می تواند از جنبه هایی از این اثر استفاده کنند. همچنین موسسات پژوهشی و پژوهشگاه هایی چون: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بنیاد ایرانشناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشگاه میراث مکتوب و دیگر موسسات پژوهشی و آموزشی نیز از این پژوهش می توانند بهره مند شوند.

## **۱-۷- روش انجام تحقیق:**

### **۱-۷-۱ روش و ابزار گرد آوری اطلاعات:**

این پژوهش در گرد آوری اطلاعات عمدتاً از روش رایج در پژوهش های تاریخی (کتابخانه ای) بهره خواهد برد. روش گردآوری معطوف به شناسایی منابع و مآخذ مرتبط در گستره های تاریخی، ادبی، جغرافیایی و منابع مرتبط با علوم کمکی تاریخ و سپس استخراج داده ها بر اساس سوالات و فرضیه

### ۱-۷-۲- روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش با استفاده از استدلال استقرایی به پژوهش خواهد پرداخت. همچنین در برخی موارد می توان روش استدلال قیاسی را نیز در تحلیل داده ها به کار برد. در مورد واژگان و اصطلاحات دیوانی و اداری این دوره ناگزیر از مراجعه به منابع تحقیقی در مورد ریشه واژگان دیوانی خواهد بود. با این حال این پژوهش صرفاً یک تحقیق تاریخی است و به هیچ وجه به مباحث جزئی و یا تحقیقات پر دامنه در زمینه شناخته واژه ها و حوزه های مختلف علم زبانشناسی وارد نمی شود و درصدد است از این منابع تا اندازه ای که مربوط به شناخت تحولات دیوانی و درک مبانی شکل گیری و بازسازی دیوانسالاری دوره مورد بررسی است، بهره برداری شود. در این رساله بیشتر از منابع مربوط به حوزه زبان ترکی، مغولی و عربی استفاده شده است.

### ۱-۷-۳- قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی، موضوعی)

این پژوهش به لحاظ زمانی محدود به حدود سالهای ۶۱۶ هـ ق به بعد که سال آغاز هجوم مغول به ایران و سال ۷۳۶ هـ ق هنگام درگذشت ابوسعید آخرین ایلخان مقتدر این سلسله است. البته به جهت مقایسه واژگان دیوانی و حوزه اختیارات مناصب بلند پایه و سرانجام ویژگی های تشکیلات دیوانی دوره ایلخانی با دوره پیش از آن، به برخی از منابع تحقیقی دوره خوارزمشاهی و سلجوقی نیز رجوع شده است.

همچنین به لحاظ مکانی این رساله محدود به ای از سرزمین ایران را شامل می شود که تحت نفوذ مستقیم حکومت ایلخانی و خاندان هلاکوخان قرار داشت و از این رو این بررسی، حوزه های را که خارج از نفوذ مستقیم حکومت ایلخانی بوده اند- از جمله فارس، کرمان، یزد، هرات - را شامل نمی شود؛ هر چند در موارد مقتضی اشاره هایی پراکنده به برخی مناطق شده است. به نظر می رسد که به دلیل گستردگی و تفاوت های اساسی تشکیلات دیوانی این بخش ها از تشکیلات مرکزی حکومت ایلخانی، آنها را باید در پژوهش مستقلی تحت عنوان نظام ایالات و تحولات دیوانی دوره مغول و ایلخانی بررسی کرد.

در این پژوهش برخی محدودیت های موضوع نیز اعمال گردید. از جمله اینکه در این پژوهش توجه اساسی به بخش مرکزی دیوانسالاری حکومت ایلخانی و مقامات بلند پایه و نیز بررسی سیر مبانی شکل گیری معطوف بوده و از پرداختن به بخش هایی چون مقامات فروتر تشکیلات اداری، اردو، تشکیلات اداری بخش لشکری، که خارج از اهداف این تحقیق و مساله آن بوده، به جز در موارد ضروری اجتناب شده است.

### ۱-۷-۳- مفاهیم اصلی:

#### تشکیلات دیوانی:

در این پژوهش منظور از تشکیلات دیوانی مجموعه ای منسجم و به هم پیوسته حکومتی است که سابقه کهنی در ایران داشته و هدف آن مدیریت بخشهای مختلف اداری از جمله امور مالی، نظارتی و مکاتبات و انتصابات بود. این تشکیلات در دوره پیش از مغول تحت ریاست وزیر قرار داشت و از طریق دفاتر و دیوان های مختلف به انجام امور می پرداختند. به هر حال در دوره مغول این تشکیلات دستخوش دگرگونی هایی گردید و ریاست آن بر عهده صاحب دیوان قرار گرفت. در این رساله تلاش می شود که تحولات کلان به وجود آمده در این تشکیلات مورد بررسی قرار گیرد.

#### خان:

خان یا قاآن سابقه کهنی در میان قبایل ترک و مغول دارد و دست کم از اواسط قرن سوم میلادی به روسای این قبایل داده شده است. همچنین این عنوان در منابع اسلامی به دوره پیش از مغول باز می گردد، اما در منابع دوره مغول به بنیانگذار امپراتوری مغول یعنی چنگیزخان و فرزندان او که جانشینان وی در الوس های چهارگانه بودند، اطلاق گردید. خان مغول در ابتدا از مرکزیت بسیاری در میان الوس ها برخوردار بود؛ به ویژه این اقتدار تا دوره منکو فرزند تولوی ادامه پیدا کرد. اما پس تاسیس سلسله ایلخانی در ایران و استقلال الوس ها از یکدیگر به تدریج این مرکزیت و تابعیت بسیار سست گردید و تلاش های بعدی برای احیای این مرکزیت به جایی نرسید. در این پژوهش منظور از خان مغول، رهبری مرکزی امپراتوری مغول است که نخستین آنها چنگیزخان ابتدا در قراقرم و سپس در

## ایلخان:

این عنوان (یه معنای ایل=فرمان بردار/ مطیع+ خان=بزرگ مغول ها در قراقروم) به سلسله ای اطلاق می شود که با ورود هلاکو فرزند تولوی و نواده چنگیزخان به ایران و قلع و قمع قلاع اسماعیلیه(۶۵۴هـ.ق) و برانداختن خلافت عباسی(۶۵۶هـ.ق) در ایران، پایه گذاری گردید. با تاسیس این سلسله عمر فرمانروایی حاکمان مغول منصوب از قراقروم به پایان رسید و دیوانسالاران ایرانی موفق شدند تا استقلال دیوانی و اداری بیشتری در برابر قراقروم به دست آورند. آخرین فرمانروای مقتدر این سلسله ابوسعید بهادر(۷۱۶-۷۳۶ هـ.ق) بود و پس از او کسانی به نام ایلخان به قدرت رسیدند اما آنها صرفاً دست نشانده های امرای مغول بودند و اقتدار چندانی نداشتند. در این پژوهش ایلخانان مورد بحث از هلاکو تا ابوسعید را شامل می شود.

## ایران:

ایران به معنای جغرافیای سیاسی مفهوم کهنی دارد و سابقه ای به پیش از دوره مغول یعنی دست کم به دوره ساسانیان باز می گردد. این مفهوم سیاسی با سقوط ساسانیان از زبان جاری و اداری این قلمرو حذف گردید و تنها در متون تاریخی به آن اشاره می شد. اما با سقوط خلافت عباسی و روی کار آمدن حکومت ایلخانی باز هم این واژه احیاء گردید. به استناد متونی چون جامع التواریخ و نزه القلوب، مناطقی که از رود جیحون در شرق تا حدود مرز ممالیک در غرب و از شمال -حدود دریای خزر در منطقه باب الابواب- و در جنوب تا بحر هرمز را شامل می شد. این حدود جغرافیایی مفهوم سیاسی ایران روزگار ایلخانان را مشخص می کرد و در این پژوهش مراد از ایران، بخشی از این قلمرو است که به تدریج به تصرف مغول ها و سپس ایلخانان درآمد.

---

<sup>1</sup> در مورد واژه خان و تطور آن در جهان اسلام و به ویژه در امپراتوری مغول مقاله ای مبسوط از عثمان غازی

اوزگندلی در دانشنامه جهان اسلام تدوین شده است(اوزگودنلی، ۱۳۸۹: ۷۴۸-۷۵۱).



ختای:

بنا به متون معتبر، ختای یا خطای به بخش شمالی سرزمین چین اطلاق می گردد و یا به تعبیر دیگر به بخش جنوبی و همجوار با دیوار چین که در همسایگی تاتارها قرار داشته، گفته می شد. این بخش از سرزمین چین که ارتباط بیشتری با سرزمین های اسلامی و ایرانی داشته معمولاً چین یا ختای نامیده شده است. از آن جایی که این سرزمین به مغول ها نیز نزدیک تر بوده، به طبع چنگیزخان و مغول ها نیز با آن زودتر ارتباط پیدا کرده و تاثیرات بیشتری در زمینه های مختلف پذیرفتند. چنگیزخان نخست به التان خان (۵۸۵-۶۰۴ هـ ق) پادشاه کین خدمت می کرد. اما کمی بعد علیه فرزند وی «چونگ-هی» (۶۰۵-۶۰۹ هـ ق) لشکرکشی کرده، امپراتوری وی را به مناطق جنوبی عقب راند و به این ترتیب زمینه تصرف چین جنوبی را در دوره بعد فراهم کرد. مهم ترین شهر سرزمین ختا، «جونگدو» (یا پکن امروزی) به عنوان مرکز سیاسی مغول ها برگزیده شد. مغول ها با تصرف این بخش از آسیا به یکی از مراکز تمدنی جهان دست یافته و به جهت تشکیلات دیوانی، اداره امور دیوانی و نظارت بر حیات شهری شیوه ها و روش هایی را از کاربدستان و دیوانسالاران ختای اخذ کردند. در این پژوهش اطلاق واژه ختا به این بخش از قلمرو امپراتوری مغول اطلاق می گردد.

### ایغورستان

ایغور که در لفظ ترکی به معنای مدد کردن است در جغرافیای جهان کنونی با مناطق شمالی ایالت سین کیانگ واقع در منتهی الیه غربی چین و در حدود لوب نور و رود تاریم مطابقت دارد. این سرزمین در مقایسه با مغولستان تمدن و شهرنشینی دیرپایی در آسیای میانه داشته و به زعم محققان دست کم به سده چهارم میلادی باز می گردد. ایغورها مللی متمدن و صلح طلب بودند و به لحاظ نظامی در منطقه قدرت چندانی نداشتند و تمدن آنها را باید بیشتر به لحاظ فرهنگی ملاحظه نمود. مردم این سرزمین مقارن با قدرت گیری چنگیزخان بودایی و مسیحی بودند و از آنجایی که به خدمت مغول ها در آمدند، موفق شدند تا به لحاظ اداری و فرهنگی در میان قبایل مغول نفوذ زیادی اعمال کنند. در این پژوهش به نقش برخی رجال ایغور و بخشی از نفوذ این تمدن در امپراتوری مغول و به ویژه در ایران توجه شده است.

## ۱-۸- نقد و بررسی منابع

تاریخ نویسی دوره مغول دوره ای متمایز از روزگار پیش از خود بود. این تمایز عمدتاً به جهت تحولات سیاسی متأثر از فروپاشی خلافت عباسی و سلطه قبایل مغول بود. در پی عوامل اخیر تاریخ نویسی فارسی در مقابل تاریخ نگاری عربی رشد کرد و مورخان به جای شرح وقایع سرزمین های اسلامی و یا دست کم محور قرار دادن مفهوم «دارالاسلام» (یعنی جایی که مسلمانان زندگی می کند و بر امور سیاسی خود حاکم هستند) به شرح وقایع «ممالک ایران زمین» پرداختند.

به هر حال اگر چه رشد تاریخ نویسی این دوره به نسبت دوره های پیشین به ویژه خوارزمشاهیان قابل توجه است. اما با این حال شمار آن نسبت به دوره های بعد و متاخر بسیار محدود تر است. در عین حال سبک و شیوه شرح وقایع و زبان تاریخ نگاری به شدت رو به پیچیدگی داشته است. علاوه بر این ورود زبان ترکی و مغولی به عنوان زبان دستگاه حاکمه ایران، موجب ورود واژگان جدید بیگانه و نا آشنایی در تاریخ نویسی این دوره گردید. بدون مراجعه به فرهنگ واژگان ترکی و مغولی و شرح زبانشناسی این اصطلاحات، فهم این آثار ممکن و میسر نخواهد بود. همچنین از آنجایی که عمده مورخان این دوره از میان دیوانسالاران و منشیان حکومت ایلخانی بودند، زبان پیچیده و فنی اهالی دیوانی در این آثار موجب شده تا متن این آثار مشحون از اصطلاحات دیوانی شده و مورخان زبان فاخر و پر از آرایه های ادبی را برای خود نوعی فضل به حساب آورند. در نتیجه مطالعه آثار این دوره نیازمند به دقت و ظرافت بسیاری است. در این بخش بررسی متون اصلی این پژوهش بر اساس اهمیت انتخاب شده و بر پایه و صورت توالی تقدم زمانی مورد توجه قرار گرفته است.

## ۱-۸-۱- الکامل فی التاریخ

این اثر مشهور و مفصل، نوشته عزالدین جزری مشهور به ابن اثیر است که رویدادهای جهان اسلام را مقارن حمله مغول تا سال ۶۲۸ هـ ق شرح می دهد. با اینکه مولف همزمان با حمله مغول و پیروزی های آنها می زیست و اخبار و رویدادهای مربوط به آنها را نقل کرده، اما تلاش نکرده تا عناصر جدید را در سرزمین های اسلامی مطابقت داده و تحولات جدید را در این منطقه گزارش دهد. برای

## ۱-۸-۲- تاریخ سری مغول ها

یوان چائو پی شیه<sup>۱</sup> که اثری حماسی و اسطوره‌ای از روزگار نخستین مغول‌ها و چنگیزخان است، اثری مجهول‌المولف به شمار می‌رود. اصل کتاب تاریخ سری مغول‌ها در سال ۶۳۷ ق / ۱۲۴۰م در دوره اکتای قآن نگاشته شده و صورت باز مانده امروزی آن با آوانویسی چینی در دسترس قرار دارد. یکی از ترجمه‌های معتبر از این اثر به زبان انگلیسی توسط پرفسور اونن انجام گرفته که از دقت بسیاری برخوردار است (تاریخ سری مغول‌ها: ۲۰۰۱). ترجمه فارسی این اثر که سال‌ها پیش توسط دکتر شیرین بیانی از متن ترجمه شده فرانسوی ترجمه شده است. این ترجمه در برگزیده تنها نیمی از این اثر است که از ترجمه فرانسوی پل پلیوت بازگردانی شده است (تاریخ سری مغول‌ها: ۱۳۵۰).

یکی از محققان اخیر، این کتاب را دستورالعمل اولیه مغول‌ها در سازماندهی حکومت می‌داند و با تکیه بر این اثر به برجسته ساختن نقش فرهنگ و سنن مغولی در کنار تجربه و مهارت دیوانسالاران ایرانی پرداخته است (لین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹: ۴۵۹-۴۶۱). اما در مجموع این اثر صرفاً برای آشنایی بخشی از اصول نخستین اداری مغول‌ها دارای اهمیت است و برای شناخت اوضاع دیوانی مغول‌ها در ایران از اهمیت کمتری برخوردار است. از این رو عمدتاً به عنوان اثری مکمل در کنار منابع اصلی این دوره به کار گرفته شده است.

---

<sup>۱</sup>Yuan-tchao-pi-she

<sup>۲</sup> Lane

## ۱-۸-۳- تاریخ جهانگشای جوینی:

این اثر نوشته علاء الدین عطاملک جوینی فرزند بهاء الدین محمد دیوانسالار دوره خوارزمشاهیان و اوایل دوره مغول بود. عطاملک (متولد ۶۲۲ یا ۶۲۳ هـ ق وفات در ۶۸۱ هـ ق) از بیست سالگی به امور دیوانی اشتغال داشته و در کنار پدر در تشکیلات دیوانی مغول ها زیر نظر امیر ارغون و سپس هلاکوخان به خدمت پرداخت. وی در هنگام تصرف قلاع اسماعیلیه همراه هلاکوخان بود و آلات نجوم و کتابهایی را از کتابخانه اسماعیلیان از معرض نابودی نجات داد. وی سرانجام از سوی هلاکوخان به حکومت بغداد منصوب گردید و در همان سالهای نخست حکومتش در بغداد اثر خود جهانگشای جوینی را تالیف کرد (لین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۲۴۴؛ رجب زاده، ۱۳۸۶: ۴۲۶).

جوینی به دلیل حضور در قراقرم در دوره اوکتای قآن و مسافرت های دیگر به مغولستان موفق به گردآوری اطلاعات و رویدادهای مربوط به روزهای نخست شکل گیری امپراتوری مغول است. جوینی به ویژه به جهت ذکر مطالب قابل توجهی که در مورد مفاد «یاسا» در اثر خود آورده، جایگاه پر اهمیتی نزد مورخان پس از خود دارد. حتی گفته می شود مقریزی مورخ مشهور عرب اطلاعات خود را در مورد مفاد یاسا که مورد استناد بسیاری از پژوهشگران واقع شده، به صورتی غیر مستقیم (از طریق العمری مورخ و دانشنامه نویس عرب) از جهانگشای جوینی اخذ و تفسیر کرده است. (مورگان<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶: ۱۶۶). به هر حال از مجموع سه جلد کتاب وی، بخش عمده ای به شرح وقایع روزگار خوارزمشاهیان و شرح شکل گیری و سقوط نهضت اسماعیلیه در ایران اختصاص داده است و البته شرح رویداد ها را تا فتح قلاع اسماعیلیه در روزگار هلاکوخان پیش می برد.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> Lane

<sup>۲</sup> Morgan

<sup>۳</sup> البته در نسخ های منتشر شده از تاریخ جهانگشای جوینی بخش الحاقی یا ذیل مختصری اضافه شده که به عنوان تاریخ فتح بغداد یا رساله کیفیت واقعه بغداد افزوده شده است که نوشته خواجه نصیرالدین طوسی است (جوینی، ۱۳۸۲: ج ۳ ص ۲۸۰-۲۹۲؛ مرتضوی، ۱۳۵۸: ۳۸۳).